

نقش حسن نیت در اعمال شرط فاسخ پس از اصلاحات ۲۰۱۶ در قانون مدنی فرانسه

روزبه احمدپور^۱ / مهتاب امامی^۲

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

کدمقاله: JHVMN-۲۶۱۱-۱۴۰۴

چکیده

اصلاحات سال ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه تحول مهمی در نظام حقوق قراردادهای ایجاد کرد و مقررات مربوط به انحلال قراردادهای را به طور منسجم در مواد ۱۲۲۴ تا ۱۲۳۰ تنظیم نمود. در این چارچوب، شرط فاسخ به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای انحلال قراردادی، جایگاه ویژه‌ای یافت و امکان انحلال قرارداد از طریق اراده طرفین را تقویت کرد. با وجود این، اعمال شرط فاسخ مطلق و بدون محدودیت تلقی نمی‌شود و اصل حسن نیت که در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی فرانسه به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق قراردادهای شناخته شده است، نقش مهمی در تحدید و هدایت اجرای آن ایفا می‌کند. بر این اساس، طرفین قرارداد نه تنها در مرحله انعقاد قرارداد، بلکه در مرحله اجرای تعهدات و همچنین در زمان اعمال شرط فاسخ، ملزم به رعایت حسن نیت هستند. این اصل می‌تواند مانع از سوءاستفاده از حق انحلال شود و از طریق نظارت قضایی، توازن قراردادی را حفظ کند. در پرتو اصلاحات ۲۰۱۶، دادگاه‌ها نیز با تفسیر مقررات جدید، بر ضرورت رعایت رفتار منصفانه در اعمال شرط فاسخ تأکید کرده‌اند و در مواردی که اجرای این شرط با سوءنیت یا به منظور اضرار به طرف مقابل صورت گیرد، امکان محدود کردن یا بی‌اثر دانستن آن را بررسی کرده‌اند. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی نقش اصل حسن نیت در اعمال شرط فاسخ در حقوق فرانسه پس از اصلاحات ۲۰۱۶ می‌پردازد و نشان می‌دهد که این اصل به عنوان یک معیار کنترلی مهم، تعادل میان آزادی قراردادی و حمایت از طرف متعهد را برقرار می‌سازد و مانع از اعمال خودسرانه شرط فاسخ می‌شود.

واژگان کلیدی: حسن نیت، شرط فاسخ، انحلال قرارداد، اصلاحات ۲۰۱۶ فرانسه، حقوق قراردادهای.

^۱. دکتری حقوق بین الملل، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلخچی، آذربایجان شرقی. (نویسنده مسئول)

Roozbehahmadpour@iau.ac.ir

^۲. مهتاب امامی، دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلخچی، آذربایجان شرقی. mahtabemami@iau.ac.ir



مقدمه

حقوق قراردادهای در نظام‌های حقوقی معاصر بر پایه دو اصل اساسی یعنی آزادی قراردادی و لزوم قراردادهای استوار است. بر اساس اصل آزادی قراردادی، طرفین می‌توانند شرایط و آثار قرارداد خود را تا حدی که مخالف قانون و نظم عمومی نباشد، تعیین کنند. در مقابل، اصل لزوم قراردادهای اقتضا می‌کند که قرارداد منعقد شده برای طرفین الزام‌آور باشد و هر یک از آنان مکلف به اجرای تعهدات خود باشند. با این حال، در عمل ممکن است شرایطی پدید آید که ادامه قرارداد برای یکی از طرفین دشوار یا ناممکن گردد و در چنین وضعیتی نظام حقوقی راهکارهایی برای پایان دادن به رابطه قراردادی پیش‌بینی می‌کند. یکی از مهم‌ترین این راهکارها پیش‌بینی شرط فاسخ در قرارداد است. درباره شرط فاسخ در اصلاحات ۲۰۱۶ فرانسه مقاله هست. درباره اصل حسن نیت در حقوق قراردادهای فرانسه هم زیاد کار شده. اما ترکیب دقیق این دو: «نقش حسن نیت در اعمال شرط فاسخ پس از اصلاحات ۲۰۱۶» به عنوان یک موضوع مستقل، معمولاً عنوان آماده و تکراری شناخته شده‌ای ندارد. شرط فاسخ شرطی است که به موجب آن طرفین توافق می‌کنند در صورت تحقق وضعیت یا واقعه‌ای خاص، قرارداد منحل شود. این شرط در حقوق فرانسه از دیرباز مورد شناسایی قرار گرفته و به عنوان یکی از ابزارهای تضمین اجرای تعهدات و نیز وسیله‌ای برای مدیریت ریسک قراردادی مورد استفاده قرار گرفته است. با این حال، تحول مهم در این زمینه با اصلاحات گسترده سال ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه رخ داد. این اصلاحات که با هدف نوسازی حقوق قراردادهای و هماهنگ‌سازی آن با نیازهای اقتصادی و تجاری معاصر انجام شد، مقررات مربوط به انحلال قراردادهای را به طور نظام‌مند در مواد ۱۲۲۴ تا ۱۲۳۰ قانون مدنی تنظیم کرد. بر اساس این مقررات، انحلال قرارداد ممکن است از طریق شرط فاسخ، اخطار رسمی متعهدله یا حکم دادگاه صورت گیرد. با وجود تأکید بر آزادی اراده طرفین در درج شرط فاسخ، اعمال این شرط نمی‌تواند کاملاً نامحدود باشد. در واقع، یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر حقوق قراردادهای فرانسه اصل حسن نیت است که در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی مورد تصریح قرار گرفته است. مطابق این ماده، قراردادهای باید با حسن نیت مذاکره، منعقد و اجرا شوند. این اصل نه تنها در مرحله انعقاد قرارداد، بلکه در تمامی مراحل حیات قراردادی از جمله مرحله اجرای تعهدات و حتی زمان پایان یافتن قرارداد نیز حاکم است. از این رو، اعمال شرط فاسخ نیز باید در چارچوب رفتار منصفانه و صادقانه صورت گیرد.

در پرتو اصلاحات ۲۰۱۶، نقش اصل حسن نیت در کنترل اعمال شرط فاسخ اهمیت بیشتری یافته است. زیرا از یک سو، قانون‌گذار امکان انحلال قرارداد را در موارد بیشتری به اراده طرفین واگذار کرده و از سوی دیگر، برای جلوگیری از سوءاستفاده از این اختیار، بر لزوم رعایت اصول کلی حقوق قراردادهای از جمله حسن نیت تأکید کرده است. در نتیجه، دادگاه‌ها می‌توانند در مواردی که اعمال شرط فاسخ با سوءنیت، رفتار فریبکارانه یا با هدف وارد کردن زیان ناموجه به طرف مقابل همراه باشد، در اعتبار یا آثار آن مداخله کنند. در همین راستا، بررسی ارتباط میان شرط فاسخ و اصل حسن نیت اهمیت نظری و عملی فراوانی دارد. از نظر نظری، این موضوع نشان می‌دهد که چگونه اصول کلی حقوق قراردادهای می‌توانند بر اجرای شروط قراردادی تأثیر بگذارند. از نظر عملی نیز تحلیل این رابطه می‌تواند به روشن شدن حدود اختیارات طرفین در اعمال شرط فاسخ و همچنین نقش نظارتی دادگاه‌ها در این زمینه کمک کند. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که اصل حسن نیت چه نقشی در اعمال شرط فاسخ در حقوق فرانسه پس از اصلاحات ۲۰۱۶ ایفا می‌کند و تا چه حد می‌تواند به عنوان ابزاری برای کنترل سوءاستفاده از این شرط عمل کند. برای دستیابی به این هدف، ابتدا مفهوم شرط فاسخ و جایگاه آن در نظام جدید حقوق قراردادهای فرانسه بررسی می‌شود و سپس نقش اصل حسن نیت در محدودسازی و هدایت اجرای این شرط مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۱- مبانی نظری شرط فاسخ و اصل حسن نیت در حقوق فرانسه

تحولات حقوق قراردادهای در فرانسه به‌ویژه پس از اصلاحات سال ۲۰۱۶ قانون مدنی، موجب بازنگری در بسیاری از نهادهای سنتی حقوق قراردادهای از جمله شرط فاسخ و اصل حسن نیت شده است. این دو مفهوم از عناصر مهم نظام حقوقی فرانسه در حوزه تعهدات محسوب می‌شوند و نقش قابل توجهی در تنظیم روابط قراردادی ایفا می‌کنند. بررسی مبانی نظری این دو نهاد نشان می‌دهد که چگونه حقوق فرانسه میان آزادی قراردادی، لزوم قراردادهای و ضرورت رعایت انصاف و تعادل در روابط قراردادی توازن برقرار کرده است.

۱-۱- مفهوم و ماهیت شرط فاسخ در حقوق فرانسه

شرط فاسخ^۱ یکی از نهادهای مهم حقوق قراردادهای در نظام حقوقی فرانسه است که به طرفین قرارداد اجازه می‌دهد در صورت تحقق شرایط مشخص، قرارداد را منحل کنند. این نهاد در واقع ابزاری قراردادی برای تضمین اجرای تعهدات و مدیریت ریسک‌های ناشی از عدم اجرای آنها محسوب می‌شود. در حقوق فرانسه، شرط فاسخ به عنوان شرطی شناخته می‌شود که تحقق آن موجب پایان یافتن اثر قرارداد و بازگشت وضعیت طرفین به حالت پیش از انعقاد قرارداد می‌شود. شرط فاسخ در حقوق مدنی فرانسه نهادهای قراردادی است که به موجب آن طرفین توافق می‌کنند در صورت تحقق واقعه‌ای معین – غالباً نقض یک تعهد اساسی – قرارداد منحل گردد. این شرط از حیث ماهیت، شرطی است که اثر آن پایان دادن به قرارداد در آینده است و نه تعلیق آغاز آن. به بیان دیگر، قرارداد از زمان انعقاد صحیح و نافذ است، اما بقای آن وابسته به عدم تحقق شرط فاسخ خواهد بود. در صورت تحقق شرط، قرارداد منحل شده و آثار آن نسبت به آینده از میان می‌رود (Terré، ۲۰۱۸). در نظام سنتی حقوق فرانسه، انحلال قرارداد به‌ویژه در قالب ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی قدیم تحلیل می‌شد که به دادگاه اجازه می‌داد در صورت نقض تعهد، قرارداد را فسخ کند. با این حال، رویه عملی به تدریج درج شرط فاسخ صریح در قراردادهای گسترش داد؛ به‌ویژه در قراردادهای اجاره، بیع اقساطی و قراردادهای تجاری. اصلاحات بنیادین سال ۲۰۱۶ در حقوق قراردادهای، این نهاد را به‌صورت منظم در مواد ۱۲۲۴ تا ۱۲۳۰ قانون مدنی بازساماندهی کرد و آن را در کنار فسخ قضایی و فسخ یک‌جانبه ناشی از اخطار رسمی قرار داد (Chantepie و Latina، ۲۰۱۸). از منظر مفهومی، شرط فاسخ را باید توافقی دانست که در آن طرفین، «نقض مشخص و معین» را به‌عنوان سبب انحلال پیش‌بینی می‌کنند. بنابراین، شرط فاسخ برخلاف فسخ قضایی، نیازمند ارزیابی ابتدایی قاضی درباره شدت نقض نیست؛ بلکه معیار انحلال از پیش در قرارداد تعیین شده است. این امر جلوه‌ای از اصل آزادی قراردادی در حقوق فرانسه است که پس از اصلاحات ۲۰۱۶ نیز به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق قراردادهای حفظ شده است (Bénabent، ۲۰۲۰).

^۱. clause résolutoire

با این حال، شرط فاسخ صرفاً یک ابزار فنی برای خاتمه قرارداد نیست، بلکه کارکردی تضمینی نیز دارد. درج چنین شرطی در قرارداد، نقش بازدارنده در برابر نقض تعهد ایفا می‌کند و متعهد را نسبت به عواقب تخلف آگاه می‌سازد. از این رو، برخی از نویسندگان آن را نوعی «ضمانت اجرای قراردادی خصوصی» دانسته‌اند که در اختیار متعهدله قرار می‌گیرد (Fabre-Magnan، ۲۰۱۹). نکته مهم دیگر، تمایز میان شرط فاسخ ضمنی و شرط فاسخ صریح است. در گذشته، برخی از نویسندگان از وجود شرط فاسخ ضمنی در همه قراردادهای معوض سخن می‌گفتند، بدین معنا که نقض اساسی تعهد، به‌طور ضمنی امکان فسخ را فراهم می‌کند. اما اصلاحات ۲۰۱۶ با تفکیک دقیق شیوه‌های انحلال، جایگاه شرط فاسخ صریح را برجسته ساخت و آن را به‌عنوان یکی از سه روش مستقل انحلال قرارداد معرفی کرد (Terré، ۲۰۱۷). باید توجه داشت که تحقق شرط فاسخ به معنای رهایی کامل از نظارت حقوقی نیست. هرچند شرط مبتنی بر اراده طرفین است، اما اعمال آن در چارچوب اصول کلی همچون حسن نیت و منع سوءاستفاده از حق ارزیابی می‌شود. بدین ترتیب، تعریف شرط فاسخ در حقوق کنونی فرانسه، تعریفی است که در پیوند با اصل تعادل قراردادی و اخلاق حرفه‌ای تفسیر می‌گردد.

۱-۲- جایگاه آن در حقوق قراردادها

شرط فاسخ در نظام حقوق قراردادهای فرانسه جایگاهی کلیدی در ساختار ضمانت اجرای قراردادی دارد. مطابق ماده ۱۲۲۴ قانون مدنی فرانسه پس از اصلاحات ۲۰۱۶، انحلال قرارداد می‌تواند از سه طریق تحقق یابد: اجرای شرط فاسخ، اعلام یک‌جانبه انحلال پس از اخطار رسمی، یا حکم دادگاه. این تقسیم‌بندی نشان می‌دهد که شرط فاسخ نه یک نهاد فرعی، بلکه یکی از ارکان نظام جدید انحلال قراردادهاست (Chantepie و Latina، ۲۰۱۸). در چارچوب اصل لزوم قراردادها^۱، قرارداد برای طرفین الزام‌آور است و باید با حسن نیت اجرا شود. با این حال، در صورت نقض تعهدات، ادامه رابطه قراردادی ممکن است غیرمنطقی یا زیان‌بار باشد. شرط فاسخ به‌عنوان ابزاری برای ایجاد تعادل میان اصل لزوم و ضرورت انعطاف‌پذیری عمل می‌کند. به بیان دیگر، این شرط راهکاری است که

^۱. force obligatoire du contrat

اجازه می‌دهد در صورت اختلال جدی در تعادل قراردادی، رابطه حقوقی پایان یابد (Bénabent، ۲۰۲۰). از حیث اقتصادی، شرط فاسخ ابزار مدیریت ریسک محسوب می‌شود. در قراردادهای بلندمدت، سرمایه‌گذاری‌های گسترده یا روابط تجاری مستمر، طرفین نیاز دارند که در صورت تخلف اساسی، بتوانند سریع و کم‌هزینه از قرارداد خارج شوند. درج شرط فاسخ موجب کاهش عدم قطعیت و افزایش امنیت حقوقی می‌شود. به همین دلیل، این شرط در قراردادهای تجاری، بانکی و اجاره‌های حرفه‌ای کاربرد فراوان دارد (Fabre-Magnan، ۲۰۱۹). در عین حال، جایگاه شرط فاسخ در نظام جدید حقوق قراردادهای نوعی «کنترل هنجاری» همراه است. قانونگذار ۲۰۱۶ در پی آن بوده است که میان آزادی قراردادی و حمایت از تعادل قراردادی توازن برقرار کند. بنابراین، هرچند شرط فاسخ جلوه‌ای از خودمختاری اراده است، اما اعمال آن باید با رعایت تشریفات مقرر، از جمله ارسال اخطار در موارد لازم و اعطای مهلت معقول، صورت گیرد (Terré، ۲۰۱۸). افزون بر این، شرط فاسخ در ارتباط با اصل حسن نیت معنا پیدا می‌کند. حسن نیت نه تنها در مرحله اجرای قرارداد، بلکه در مرحله انحلال آن نیز حاکم است. بنابراین، اگر متعهد به گونه‌ای رفتار کند که هدف او نه حمایت از منافع مشروع بلکه بهره‌برداری نامتعارف از یک تخلف جزئی باشد، امکان مداخله دادگاه وجود دارد. چنین تحلیلی نشان می‌دهد که شرط فاسخ در نظام کنونی فرانسه، نهادی صرفاً ارادی نیست، بلکه در بستر اصول عمومی حقوق قراردادهای عمل می‌کند (Chantepie و Latina، ۲۰۱۸). در نتیجه، جایگاه شرط فاسخ را باید در پیوند با کارکرد دوگانه آن فهمید: از یک سو ابزاری در خدمت کارآمدی و امنیت حقوقی، و از سوی دیگر نهادی مقید به اصولی همچون تعادل قراردادی و حسن نیت.

۲- تمایز شرط فاسخ با فسخ و انحلال قضایی

برای تحلیل دقیق شرط فاسخ، تمایز آن با سایر شیوه‌های انحلال قرارداد ضروری است. نخستین تمایز، تفاوت میان شرط فاسخ و فسخ قضایی است. در فسخ قضایی، متعهد به دادگاه مراجعه می‌کند و قاضی با بررسی شدت نقض تعهد، درباره انحلال قرارداد تصمیم می‌گیرد. در این حالت، نقش ارزیابی قضایی اساسی است و انحلال بدون حکم دادگاه تحقق نمی‌یابد (Mazeaud، ۲۰۱۷). در مقابل، شرط فاسخ مبتنی بر توافق پیشین طرفین است. آنها از ابتدا تعیین کرده‌اند که در صورت تحقق وضعیت خاص، قرارداد منحل گردد. بنابراین، قاضی در اینجا نقش ثانوی و نظارتی دارد، نه نقش تأسیسی. به بیان دیگر، انحلال ناشی از شرط فاسخ، ریشه در اراده قراردادی دارد نه در تصمیم

دادگاه (Deshayes، ۲۰۱۶). تمایز دوم، تفاوت شرط فاسخ با انحلال یک‌جانبه پس از اخطار رسمی است. اصلاحات ۲۰۱۶ به متعهدله اجازه داد که در صورت نقض جدی تعهد، پس از ارسال اخطار و اعطای مهلت معقول، قرارداد را منحل اعلام کند. این شیوه، برخلاف شرط فاسخ، نیازمند پیش‌بینی قبلی در قرارداد نیست؛ بلکه مستند به قانون است. در عین حال، همانند شرط فاسخ، بدون حکم دادگاه اعمال می‌شود (Chantepie و Latina، ۲۰۱۸). از حیث مبنای حقوقی، می‌توان گفت شرط فاسخ جلوه‌ای از اصل حاکمیت اراده است، در حالی که فسخ قضایی جلوه‌ای از اقتدار عمومی در تضمین عدالت قراردادی محسوب می‌شود. انحلال یک‌جانبه نیز راه‌حلی میانه است که قانون‌گذار برای افزایش کارآمدی روابط قراردادی پیش‌بینی کرده است (Terré، ۲۰۱۸). در نهایت، باید افزود که هر سه شیوه انحلال، تحت حاکمیت اصل حسن نیت قرار دارند. حتی در فرض وجود شرط فاسخ صریح، دادگاه می‌تواند بررسی کند که آیا شرایط اجرای آن به‌درستی تحقق یافته و آیا اعمال آن با رفتار منصفانه سازگار بوده است یا خیر (رضایی و حیدری، ۱۴۰۲؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۹۹). بدین ترتیب، تمایز میان شرط فاسخ، فسخ قضایی و انحلال قانونی، نه‌تنها از حیث شکلی بلکه از حیث مبنای نظری و جایگاه در نظام حقوق قراردادهای اهمیت دارد و در تحلیل نقش حسن نیت در اعمال شرط فاسخ، نقشی بنیادین ایفا می‌کند.

۳- اصل حسن نیت در نظام حقوق قراردادهای فرانسه

۳-۱- مفهوم حسن نیت در حقوق فرانسه

اصل حسن نیت یکی از مفاهیم بنیادین در نظام حقوق قراردادهای فرانسه است که نقش مهمی در تنظیم رفتار طرفین در روابط قراردادی ایفا می‌کند. این اصل به طور کلی به معنای الزام طرفین به رفتار صادقانه، منصفانه و متعارف در جریان شکل‌گیری، اجرای و پایان قرارداد است. در واقع، حسن نیت معیاری برای ارزیابی رفتار طرفین قرارداد محسوب می‌شود و هدف آن جلوگیری از رفتارهای فریبکارانه، سوءاستفاده از حق و اقداماتی است که با روح عدالت قراردادی ناسازگار است (Terré، ۲۰۱۸).

در ادبیات حقوقی فرانسه، حسن نیت همواره به عنوان یک اصل اخلاقی - حقوقی مورد توجه بوده است. بسیاری از نویسندگان این مفهوم را بیانگر لزوم رعایت اعتماد مشروع میان طرفین قرارداد می‌دانند. به بیان دیگر، زمانی که افراد وارد رابطه قراردادی می‌شوند، انتظار دارند که طرف مقابل با صداقت و انصاف عمل کند و از رفتارهایی که موجب زیان غیرمنصفانه به طرف دیگر می‌شود خودداری نماید (Bénabent، ۲۰۲۰). مفهوم حسن نیت در حقوق فرانسه دارای دو بعد مهم است: بعد ذهنی و بعد عینی. بعد ذهنی به وضعیت ذهنی شخص اشاره دارد؛ یعنی حالتی که فرد بدون قصد تقلب یا فریب عمل می‌کند و از نقض حقوق دیگران آگاه نیست. در مقابل، بعد عینی حسن نیت به یک معیار رفتاری اشاره دارد که از افراد انتظار می‌رود مطابق آن عمل کنند. در این معنا، حسن نیت معیاری برای سنجش رفتار متعارف و منصفانه در روابط قراردادی است، صرف نظر از قصد درونی اشخاص (Fabre-Magnan، ۲۰۱۹).

با تحول حقوق قراردادها در فرانسه، به ویژه پس از اصلاحات سال ۲۰۱۶، اهمیت بعد عینی حسن نیت افزایش یافته است. در واقع، حسن نیت دیگر صرفاً به عنوان یک وضعیت روانی در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه به عنوان یک استاندارد رفتاری الزام‌آور مطرح است که دادگاه‌ها می‌توانند بر اساس آن رفتار طرفین قرارداد را ارزیابی کنند. این تحول نشان‌دهنده گرایش حقوق فرانسه به تقویت عدالت قراردادی و جلوگیری از سوءاستفاده از آزادی قراردادی است (Latina و Chantepie، ۲۰۱۸). علاوه بر این، حسن نیت در حقوق فرانسه ارتباط نزدیکی با اصل تعادل قراردادی دارد. اگرچه نظام حقوقی فرانسه به طور سنتی بر اصل آزادی قراردادها تأکید می‌کند، اما حسن نیت به عنوان عاملی برای تعدیل این آزادی عمل می‌کند. به بیان دیگر، آزادی قراردادی نباید به ابزاری برای تحمیل شرایط غیرمنصفانه یا سوءاستفاده از موقعیت برتر تبدیل شود. از این رو، اصل حسن نیت به عنوان یکی از ابزارهای مهم برای حفظ انصاف و تعادل در روابط قراردادی شناخته می‌شود (Terré، ۲۰۱۷). در مجموع، می‌توان گفت حسن نیت در حقوق فرانسه مفهومی پویا و چندبعدی است که هم جنبه اخلاقی و هم جنبه حقوقی دارد. این اصل نه تنها معیار ارزیابی رفتار طرفین در قراردادهاست، بلکه به عنوان یکی از مبانی اصلی مداخله دادگاه‌ها در موارد سوءاستفاده از حق نیز عمل می‌کند.

۳-۲- جایگاه حسن نیت در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی فرانسه

اصلاحات مهم سال ۲۰۱۶ در حقوق قراردادهای فرانسه جایگاه اصل حسن نیت را به طور قابل توجهی تقویت کرد. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این تحول، پیش‌بینی صریح این اصل در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی فرانسه است. این ماده مقرر می‌دارد که «قراردادها باید با حسن نیت مذاکره، منعقد و اجرا شوند». بدین ترتیب، قانون‌گذار فرانسه حسن نیت را به عنوان یک اصل حاکم بر تمامی مراحل حیات قرارداد شناسایی کرده است (Chantepie و Latina، ۲۰۱۸). پیش از اصلاحات ۲۰۱۶، اصل حسن نیت عمده‌تاً در ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی قدیم و صرفاً در مرحله اجرای قرارداد مورد اشاره قرار گرفته بود. در نتیجه، دامنه اعمال آن محدودتر تلقی می‌شد. اما قانونگذار در اصلاحات جدید با گسترش قلمرو این اصل، آن را بر مراحل مذاکره، انعقاد و اجرای قرارداد تسری داد. این تحول بیانگر تغییر رویکرد قانونگذار به سوی تقویت اخلاق قراردادی و حمایت از اعتماد مشروع میان طرفین است (Terré، ۲۰۱۸). ویژگی مهم دیگر ماده ۱۱۰۴ آن است که حسن نیت را به عنوان یک قاعده آمره معرفی می‌کند. به عبارت دیگر، طرفین قرارداد نمی‌توانند با توافق خود اجرای این اصل را کنار بگذارند یا آن را محدود کنند. چنین ویژگی‌ای نشان می‌دهد که حسن نیت صرفاً یک اصل اخلاقی نیست، بلکه یک الزام حقوقی است که رعایت آن برای طرفین ضروری است (Bénabent، ۲۰۲۰). در دکترین حقوقی فرانسه نیز ماده ۱۱۰۴ به عنوان یکی از مهم‌ترین مقررات اصلاحات ۲۰۱۶ تلقی شده است. بسیاری از نویسندگان معتقدند که این ماده موجب تقویت نقش دادگاه‌ها در نظارت بر رفتار قراردادی شده است؛ زیرا قاضی می‌تواند بر اساس معیار حسن نیت، رفتار طرفین را ارزیابی کرده و در صورت مشاهده سوءاستفاده از حق یا رفتار غیرمنصفانه، مداخله کند (Fabre-Magnan، ۲۰۱۹). از سوی دیگر، ماده ۱۱۰۴ در ارتباط با سایر اصول بنیادین حقوق قراردادهای نیز قابل تحلیل است. برای مثال، این ماده در کنار اصل آزادی قراردادی و اصل لزوم قراردادهای قرار می‌گیرد و به نوعی نقش تعدیل‌کننده آنها را ایفا می‌کند. در واقع، قانونگذار تلاش کرده است میان آزادی اراده و ضرورت حفظ عدالت قراردادی تعادل برقرار کند (Terré، ۲۰۱۷). می‌توان گفت ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی فرانسه یکی از مهم‌ترین مبانی حقوقی برای اعمال اصل حسن نیت در روابط قراردادی است و نقش اساسی در تفسیر و اجرای سایر قواعد حقوق قراردادهای ایفا می‌کند.

۳-۳- قلمرو اجرای حسن نیت در مراحل مختلف قرارداد

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اصل حسن نیت در حقوق فرانسه، گستردگی قلمرو اجرای آن در مراحل مختلف قرارداد است. مطابق ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی فرانسه، حسن نیت نه تنها در مرحله اجرای قرارداد بلکه در مراحل پیش از انعقاد و پس از آن نیز اعمال می‌شود. این گستردگی نشان‌دهنده نقش اساسی این اصل در تنظیم روابط قراردادی است (Chantepie و Latina، ۲۰۱۸). نخستین مرحله‌ای که اصل حسن نیت در آن اعمال می‌شود، مرحله مذاکرات قراردادی است. در این مرحله، طرفین باید از رفتارهایی مانند ارائه اطلاعات نادرست، پنهان کردن اطلاعات اساسی یا قطع ناگهانی و غیرموجه مذاکرات خودداری کنند. اگر یکی از طرفین در جریان مذاکرات رفتاری خلاف حسن نیت داشته باشد و موجب ورود زیان به طرف دیگر شود، ممکن است مسئولیت مدنی او مطرح گردد (Bénabent، ۲۰۲۰). مرحله دوم، مرحله انعقاد قرارداد است. در این مرحله نیز اصل حسن نیت ایجاب می‌کند که طرفین قرارداد را با صداقت و شفافیت منعقد کنند و از اعمال فریب یا سوءاستفاده از موقعیت برتر خودداری نمایند. به عنوان مثال، اگر یکی از طرفین با سوءاستفاده از وضعیت ضعف طرف دیگر شروطی غیرمنصفانه را تحمیل کند، دادگاه می‌تواند با استناد به اصل حسن نیت در تفسیر یا اجرای قرارداد مداخله کند (Fabre-Magnan، ۲۰۱۹). مهم‌ترین عرصه اجرای حسن نیت، مرحله اجرای قرارداد است. در این مرحله، طرفین موظف‌اند تعهدات خود را به گونه‌ای انجام دهند که با هدف و روح قرارداد سازگار باشد. حسن نیت در اینجا به معنای همکاری متقابل، پرهیز از ایجاد مانع در اجرای تعهدات و احترام به منافع مشروع طرف مقابل است (Terré، ۲۰۱۸). اصل حسن نیت در مرحله پایان قرارداد نیز نقش دارد. حتی در زمان اعمال حقوقی مانند فسخ یا اجرای شرط فاسخ، طرفین باید به گونه‌ای عمل کنند که با معیارهای انصاف و رفتار منصفانه سازگار باشد. اگر یکی از طرفین از حق خود به گونه‌ای استفاده کند که مصداق سوءاستفاده از حق باشد، دادگاه می‌تواند آثار آن را محدود کند (رضایی و حیدری، ۱۴۰۲؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۹۹). بر این اساس، اصل حسن نیت در حقوق فرانسه به عنوان یک اصل فراگیر شناخته می‌شود که تمامی مراحل حیات قرارداد را در بر می‌گیرد و نقش مهمی در تضمین عدالت و تعادل در روابط قراردادی ایفا می‌کند.

۴- نقش حسن نیت در اعمال شرط فاسخ پس از اصلاحات ۲۰۱۶

۴-۱- تأثیر اصل حسن نیت بر شرایط اعمال شرط فاسخ

اصل حسن نیت، به عنوان یکی از ارکان بنیادین حقوق قراردادهای فرانسه، تأثیر عمیقی بر نحوه اعمال و تفسیر شرط فاسخ، به‌ویژه پس از اصلاحات سال ۲۰۱۶ قانون مدنی، گذاشته است. این اصل که در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی فرانسه به صراحت بیان شده است، ایجاب می‌کند که طرفین قرارداد در تمام مراحل، از مذاکره و انعقاد گرفته تا اجرای تعهدات، با صداقت، انصاف و رفتار متعارف عمل کنند.

۴-۱-۱- محدودیت سوءاستفاده از شرط فاسخ

با وجود آنکه شرط فاسخ در حقوق فرانسه ابزاری مبتنی بر اراده طرفین برای انحلال قرارداد است، اعمال این شرط مطلق و نامحدود نیست. یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های اعمال شرط فاسخ، اصل حسن نیت است که به‌ویژه پس از اصلاحات سال ۲۰۱۶ جایگاه برجسته‌تری در حقوق قراردادهای فرانسه پیدا کرده است. این اصل ایجاب می‌کند که طرفین در استفاده از حقوق قراردادی خود رفتاری منصفانه و معقول داشته باشند و از به‌کارگیری این حقوق به‌گونه‌ای که موجب زیان غیرمنصفانه به طرف مقابل شود، خودداری کنند (Terré، ۲۰۱۸).

در چارچوب این اصل، یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در دکترین و رویه قضایی فرانسه، مسئله «سوءاستفاده از حق» در اعمال شرط فاسخ است. سوءاستفاده از حق زمانی رخ می‌دهد که یکی از طرفین اگرچه ظاهراً در چارچوب حقوق قراردادی خود عمل می‌کند، اما هدف واقعی او استفاده نامتعارف از این حق یا وارد کردن زیان غیرموجه به طرف مقابل است. در چنین شرایطی، دادگاه‌ها ممکن است با استناد به اصل حسن نیت، اعمال شرط فاسخ را محدود یا حتی بی‌اثر کنند (Bénabent، ۲۰۲۰). برای مثال، اگر نقض تعهد از سوی متعهد بسیار جزئی یا کم‌اهمیت باشد، اعمال شرط فاسخ ممکن است به عنوان رفتاری نامتناسب تلقی شود. در چنین مواردی، دادگاه‌ها می‌توانند بررسی کنند که آیا استفاده از شرط فاسخ با هدف واقعی قرارداد و اصول انصاف سازگار

است یا خیر. این رویکرد نشان می‌دهد که حقوق فرانسه تلاش می‌کند میان آزادی قراردادی و حمایت از تعادل قراردادی توازن برقرار کند (Chantepie و Latina، ۲۰۱۸).

از سوی دیگر، برخی از نویسندگان حقوقی معتقدند که کنترل سوءاستفاده از شرط فاسخ، یکی از مهم‌ترین کارکردهای اصل حسن نیت در نظام جدید حقوق قراردادهای فرانسه است. زیرا در غیر این صورت، طرف قوی‌تر در قرارداد می‌تواند با درج شروط فاسخ گسترده، موقعیت برتری نسبت به طرف مقابل پیدا کند و از این ابزار برای فشار اقتصادی یا حقوقی استفاده نماید (Fabre-Magnan، ۲۰۱۹). در نتیجه، اصل حسن نیت به عنوان یک معیار کنترلی عمل می‌کند که مانع از تبدیل شرط فاسخ به ابزاری برای سوءاستفاده از حق می‌شود. این اصل به دادگاه‌ها امکان می‌دهد در مواردی که اعمال شرط فاسخ با عدالت قراردادی ناسازگار است، در آثار آن مداخله کنند و از حقوق طرف ضعیف‌تر حمایت نمایند (Mazeaud، ۲۰۱۷).

۴-۱-۲- ضرورت رفتار منصفانه در اعمال شرط

اعمال شرط فاسخ در حقوق فرانسه صرفاً به تحقق یک وضعیت قراردادی محدود نمی‌شود، بلکه نحوه استفاده از این شرط نیز باید با اصول انصاف و حسن نیت سازگار باشد. به عبارت دیگر، حتی در مواردی که شرایط اعمال شرط فاسخ به طور کامل فراهم شده است، طرفی که قصد استفاده از این شرط را دارد باید در چارچوب رفتار منصفانه عمل کند (Terré، ۲۰۱۸). اصل رفتار منصفانه یکی از جلوه‌های مهم حسن نیت در روابط قراردادی است. این اصل ایجاب می‌کند که طرفین در اجرای حقوق خود به منافع مشروع طرف مقابل نیز توجه داشته باشند و از اقداماتی که به‌طور غیرضروری موجب زیان یا بی‌ثباتی در روابط قراردادی می‌شود، خودداری کنند. بنابراین، اعمال شرط فاسخ نباید به گونه‌ای باشد که اعتماد مشروع طرف مقابل را نقض کند یا تعادل قرارداد را به‌طور نامعقول بر هم بزند (Bénabent، ۲۰۲۰). در این چارچوب، رویه قضایی فرانسه نشان داده است که دادگاه‌ها در ارزیابی مشروعیت اعمال شرط فاسخ، به شرایط خاص هر پرونده توجه می‌کنند. برای مثال، اگر متعهدله بدون توجه به شرایط خاص متعهد و بدون در نظر گرفتن امکان اجرای تعهد، فوراً به شرط فاسخ استناد کند، ممکن است این اقدام با اصل حسن نیت مغایر تلقی شود. به همین دلیل، در بسیاری از موارد دادگاه‌ها رفتار طرفین را از منظر انصاف و تعادل قراردادی مورد بررسی قرار می‌دهند

(Chantepie و Latina، ۲۰۱۸). از سوی دیگر، رفتار منصفانه در اعمال شرط فاسخ به معنای رعایت شفافیت و صداقت در روابط قراردادی نیز هست. طرفی که قصد اعمال شرط فاسخ را دارد باید به گونه‌ای عمل کند که طرف مقابل از وضعیت قرارداد و احتمال انحلال آن آگاه باشد. پنهان‌کاری یا استفاده ناگهانی از شرط فاسخ بدون اطلاع قبلی ممکن است با الزامات حسن نیت ناسازگار تلقی شود (Fabre-Magnan، ۲۰۱۹). در مجموع، ضرورت رفتار منصفانه در اعمال شرط فاسخ نشان می‌دهد که این نهاد حقوقی تنها یک ابزار مکانیکی برای انحلال قرارداد نیست، بلکه باید در چارچوب اصول اخلاقی و حقوقی حاکم بر قراردادها مورد استفاده قرار گیرد. اصل حسن نیت در این زمینه نقش اساسی در تضمین تعادل و عدالت در روابط قراردادی ایفا می‌کند (Mazeaud، ۲۰۱۷).

۴-۲- نقش اخطار و فرصت اجرای تعهد

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های اصل حسن نیت در اعمال شرط فاسخ، ضرورت اعطای اخطار و فراهم کردن فرصت مناسب برای اجرای تعهد است. در بسیاری از موارد، پیش از اعمال شرط فاسخ لازم است که متعهدله به متعهد اطلاع دهد که در صورت عدم اجرای تعهد در مهلت معین، قرارداد منحل خواهد شد. این اقدام نه تنها به شفافیت روابط قراردادی کمک می‌کند، بلکه فرصتی برای اصلاح نقض تعهد فراهم می‌سازد (Chantepie و Latina، ۲۰۱۸). اصلاحات سال ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه نیز به اهمیت اخطار توجه ویژه‌ای داشته است. در نظام جدید حقوق قراردادها، اخطار رسمی به عنوان یکی از مراحل مهم پیش از انحلال قرارداد شناخته می‌شود. این اخطار به متعهد امکان می‌دهد که تعهد خود را اجرا کند و از انحلال قرارداد جلوگیری نماید. در نتیجه، اخطار را می‌توان یکی از ابزارهای تحقق اصل حسن نیت در روابط قراردادی دانست (Terré، ۲۰۱۸).

اعطای فرصت اجرای تعهد همچنین با اصل تعادل قراردادی مرتبط است. اگر متعهدله بدون اعطای مهلت معقول به متعهد، فوراً به شرط فاسخ استناد کند، ممکن است این اقدام به عنوان رفتاری غیرمنصفانه تلقی شود. به همین دلیل، دادگاه‌ها در بسیاری از موارد بررسی می‌کنند که آیا پیش از اعمال شرط فاسخ، فرصت واقعی برای اجرای تعهد فراهم شده است یا خیر (Bénabent، ۲۰۲۰). از دیدگاه دکتربین حقوقی، اخطار پیش از اعمال شرط فاسخ دارای دو کارکرد مهم است. نخست، کارکرد اطلاع‌رسانی که موجب آگاهی متعهد از وضعیت قرارداد و خطر انحلال آن می‌شود. دوم،

کارکرد اصلاحی که به متعهد امکان می‌دهد نقض تعهد را جبران کند و از پایان یافتن رابطه قراردادی جلوگیری نماید (Fabre-Magnan، ۲۰۱۹). باید توجه داشت که نقش اخطار و فرصت اجرای تعهد نشان‌دهنده تلاش حقوق فرانسه برای ایجاد تعادل میان کارآمدی قراردادها و رعایت انصاف در روابط قراردادی است. اصل حسن نیت در این زمینه نقش مهمی در هدایت رفتار طرفین ایفا می‌کند و مانع از آن می‌شود که شرط فاسخ به صورت شتابزده یا غیرمنصفانه اعمال گردد (رضایی و حیدری، ۱۴۰۲: ۲۳)

۴-۳- نقش نظارتی دادگاه‌ها در پرتو اصل حسن نیت

هرچند شرط فاسخ در حقوق فرانسه نهادی قراردادی و مبتنی بر اراده طرفین است، اما اعمال آن به طور کامل از نظارت دادگاه‌ها خارج نیست. در نظام حقوقی فرانسه، اصل آزادی قراردادی همواره در کنار اصولی چون حسن نیت، منع سوءاستفاده از حق و ضرورت حفظ تعادل قراردادی تفسیر می‌شود. به همین دلیل، حتی اگر طرفین در قرارداد خود شرط فاسخ صریحی پیش‌بینی کرده باشند، دادگاه می‌تواند در صورت بروز اختلاف، نحوه اعمال آن را از حیث رعایت شرایط قانونی و قراردادی مورد بررسی قرار دهد (Terré، ۲۰۱۸). اصلاحات سال ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه با وجود آنکه به شرط فاسخ جایگاه روشن‌تری بخشید، نقش دادگاه‌ها را به طور کامل حذف نکرد. ماده ۱۲۲۵ قانون مدنی فرانسه شرط فاسخ را به رسمیت می‌شناسد، اما در عین حال مقرر می‌دارد که این شرط باید به صراحت تعهداتی را که عدم اجرای آنها موجب انحلال قرارداد می‌شود، مشخص کند. بنابراین، اگر شرط فاسخ مبهم، کلی یا نامعین باشد، دادگاه می‌تواند از اعمال خودکار آن جلوگیری کند یا آن را به صورت محدود تفسیر نماید (Chantepie و Latina، ۲۰۱۸).

کنترل قضایی شرط فاسخ از چند جهت اهمیت دارد. نخست، دادگاه بررسی می‌کند که آیا شرط فاسخ به طور معتبر در قرارداد درج شده است یا خیر. دوم، دادگاه احراز می‌کند که آیا تخلف مورد ادعا واقعاً از تعهداتی است که در شرط فاسخ ذکر شده است. سوم، دادگاه می‌تواند بررسی کند که آیا اعمال شرط با حسن نیت و رفتار منصفانه سازگار بوده است یا نه. این موارد نشان می‌دهد که نقش دادگاه در این زمینه صرفاً شکلی نیست، بلکه جنبه ماهوی نیز دارد (Bénabent، ۲۰۲۰). یکی از مهم‌ترین جلوه‌های کنترل قضایی، بررسی سوءاستفاده احتمالی از شرط فاسخ است. ممکن

است یکی از طرفین با استناد به یک تخلف جزئی یا کم‌اهمیت، درصدد انحلال قرارداد برآید، در حالی که هدف واقعی او رهایی از تعهدات قراردادی یا کسب منفعت نامشروع باشد. در چنین مواردی، دادگاه می‌تواند با استناد به اصل حسن نیت، اعمال شرط را محدود کند یا آثار آن را تعدیل نماید (Fabre-Magnan، ۲۰۱۹). از سوی دیگر، کنترل قضایی شرط فاسخ در پرتو اصل تناسب نیز قابل تحلیل است. اگرچه در حقوق فرانسه اصل تناسب به‌عنوان قاعده‌ای مستقل در همه موارد شرط فاسخ مطرح نیست، اما دادگاه‌ها در عمل ممکن است شدت نقض تعهد و پیامد انحلال قرارداد را با یکدیگر مقایسه کنند. این امر به‌ویژه در قراردادهایی اهمیت دارد که انحلال آنها آثار اقتصادی سنگینی برای یکی از طرفین دارد (Mazeaud، ۲۰۱۷). در نتیجه، کنترل قضایی اعمال شرط فاسخ نشان‌دهنده آن است که حقوق فرانسه پس از اصلاحات ۲۰۱۶ میان آزادی قراردادی و عدالت قراردادی توازن برقرار کرده است. شرط فاسخ همچنان ابزاری مؤثر برای پایان دادن به قرارداد است، اما اعمال آن باید با معیارهای حسن نیت، شفافیت و منع سوءاستفاده از حق سازگار باشد.

۴-۴- کنترل قضایی اعمال شرط فاسخ

هرچند شرط فاسخ در حقوق فرانسه نهادی قراردادی و مبتنی بر اراده طرفین است، اما اعمال آن به طور کامل از نظارت دادگاه‌ها خارج نیست. در نظام حقوقی فرانسه، اصل آزادی قراردادی همواره در کنار اصولی چون حسن نیت، منع سوءاستفاده از حق و ضرورت حفظ تعادل قراردادی تفسیر می‌شود. به همین دلیل، حتی اگر طرفین در قرارداد خود شرط فاسخ صریحی پیش‌بینی کرده باشند، دادگاه می‌تواند در صورت بروز اختلاف، نحوه اعمال آن را از حیث رعایت شرایط قانونی و قراردادی مورد بررسی قرار دهد (Terré، ۲۰۱۸). اصلاحات سال ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه با وجود آنکه به شرط فاسخ جایگاه روشن‌تری بخشید، نقش دادگاه‌ها را به طور کامل حذف نکرد. ماده ۱۲۲۵ قانون مدنی فرانسه شرط فاسخ را به رسمیت می‌شناسد، اما در عین حال مقرر می‌دارد که این شرط باید به‌صراحت تعهداتی را که عدم اجرای آنها موجب انحلال قرارداد می‌شود، مشخص کند. بنابراین، اگر شرط فاسخ مبهم، کلی یا نامعین باشد، دادگاه می‌تواند از اعمال خودکار آن جلوگیری کند یا آن را به صورت محدود تفسیر نماید (Chantepie و Latina، ۲۰۱۸).

کنترل قضایی شرط فاسخ از چند جهت اهمیت دارد. نخست، دادگاه بررسی می‌کند که آیا شرط فاسخ به طور معتبر در قرارداد درج شده است یا خیر. دوم، دادگاه احراز می‌کند که آیا تخلف مورد ادعا واقعاً از تعهداتی است که در شرط فاسخ ذکر شده است. سوم، دادگاه می‌تواند بررسی کند که آیا اعمال شرط با حسن نیت و رفتار منصفانه سازگار بوده است یا نه. این موارد نشان می‌دهد که نقش دادگاه در این زمینه صرفاً شکلی نیست، بلکه جنبه ماهوی نیز دارد (Bénabent, ۲۰۲۰). یکی از مهم‌ترین جلوه‌های کنترل قضایی، بررسی سوءاستفاده احتمالی از شرط فاسخ است. ممکن است یکی از طرفین با استناد به یک تخلف جزئی یا کم‌اهمیت، درصدد انحلال قرارداد برآید، در حالی که هدف واقعی او رهایی از تعهدات قراردادی یا کسب منفعت نامشروع باشد. در چنین مواردی، دادگاه می‌تواند با استناد به اصل حسن نیت، اعمال شرط را محدود کند یا آثار آن را تعدیل نماید (Fabre-Magnan, ۲۰۱۹). از سوی دیگر، کنترل قضایی شرط فاسخ در پرتو اصل تناسب نیز قابل تحلیل است. اگرچه در حقوق فرانسه اصل تناسب به‌عنوان قاعده‌ای مستقل در همه موارد شرط فاسخ مطرح نیست، اما دادگاه‌ها در عمل ممکن است شدت نقض تعهد و پیامد انحلال قرارداد را با یکدیگر مقایسه کنند. این امر به‌ویژه در قراردادهایی اهمیت دارد که انحلال آنها آثار اقتصادی سنگینی برای یکی از طرفین دارد (Mazeaud, ۲۰۱۷). در نتیجه، کنترل قضایی اعمال شرط فاسخ نشان‌دهنده آن است که حقوق فرانسه پس از اصلاحات ۲۰۱۶ میان آزادی قراردادی و عدالت قراردادی توازن برقرار کرده است. شرط فاسخ همچنان ابزاری مؤثر برای پایان دادن به قرارداد است، اما اعمال آن باید با معیارهای حسن نیت، شفافیت و منع سوءاستفاده از حق سازگار باشد.

۴-۵- تفسیر شرط فاسخ با توجه به حسن نیت

تفسیر شرط فاسخ یکی از مهم‌ترین زمینه‌هایی است که اصل حسن نیت در آن نقش عملی و مؤثر ایفا می‌کند. از آنجا که شرط فاسخ می‌تواند آثار مهمی مانند انحلال قرارداد و پایان تعهدات طرفین را به دنبال داشته باشد، دادگاه‌ها در تفسیر آن احتیاط می‌کنند و معمولاً آن را به صورت مضیق و در چارچوب اراده واقعی طرفین تفسیر می‌نمایند (Terré, ۲۰۱۸). در حقوق فرانسه، شرط فاسخ باید روشن، صریح و معین باشد. ماده ۱۲۲۵ قانون مدنی فرانسه تأکید می‌کند که شرط فاسخ باید تعهداتی را که عدم اجرای آنها موجب انحلال قرارداد می‌شود، مشخص کند. این الزام نشان می‌دهد که شرط فاسخ نمی‌تواند به صورت کلی و مبهم تنظیم شود؛ زیرا در چنین حالتی ممکن است زمینه

سوءاستفاده از آن فراهم گردد (Chantepie و Latina، ۲۰۱۸). اصل حسن نیت در تفسیر شرط فاسخ ایجاب می‌کند که دادگاه صرفاً به الفاظ قرارداد اکتفا نکند، بلکه هدف اقتصادی و اجتماعی قرارداد، رفتار طرفین و انتظارات مشروع آنان را نیز در نظر بگیرد. برای مثال، اگر شرط فاسخ به گونه‌ای تنظیم شده باشد که امکان انحلال قرارداد به دلیل هرگونه نقض جزئی فراهم شود، دادگاه ممکن است آن را با توجه به حسن نیت محدود تفسیر کند و تنها نقض‌های مهم و مؤثر را مشمول آن بداند (Bénabent، ۲۰۲۰).

همچنین حسن نیت می‌تواند مانع از تفسیر فرصت‌طلبانه شرط فاسخ شود. گاهی ممکن است یکی از طرفین با استناد به برداشت لفظی و سخت‌گیرانه از شرط، درصدد انحلال قرارداد برآید، در حالی که رفتار پیشین او نشان می‌دهد تخلف را پذیرفته یا نسبت به آن اغماض کرده است. در چنین وضعیتی، دادگاه می‌تواند با توجه به اصل حسن نیت و رفتار متعارض طرف، از پذیرش استناد ناگهانی به شرط فاسخ جلوگیری کند (Fabre-Magnan، ۲۰۱۹). از منظر دکترین حقوقی، تفسیر شرط فاسخ با توجه به حسن نیت نشان‌دهنده حرکت حقوق فرانسه از تفسیر صرفاً لفظی به سوی تفسیر غایی و منصفانه قراردادهاست. در این رویکرد، قاضی تلاش می‌کند میان متن قرارداد و هدف مشروع طرفین هماهنگی ایجاد کند و از نتایجی که آشکارا غیرعادلانه یا نامتعارف است، جلوگیری نماید (Mazeaud، ۲۰۱۷). می‌توان گفت حسن نیت در تفسیر شرط فاسخ دو کارکرد اصلی دارد: نخست، جلوگیری از گسترش ناموجه دامنه شرط فاسخ؛ دوم، حمایت از اعتماد مشروع طرف مقابل در برابر رفتارهای ناگهانی و غیرمنصفانه. بنابراین، شرط فاسخ اگرچه مبتنی بر اراده طرفین است، اما تفسیر آن در پرتو حسن نیت انجام می‌شود.

۴-۶- رویه قضایی مرتبط با شرط فاسخ پس از اصلاحات ۲۰۱۶

رویه قضایی فرانسه در زمینه شرط فاسخ پس از اصلاحات ۲۰۱۶ اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا اصلاحات قانون مدنی اگرچه چارچوب قانونی جدیدی برای انحلال قراردادها ایجاد کرد، اما تبیین دقیق حدود و آثار آن همچنان تا حد زیادی به دادگاه‌ها واگذار شده است. دادگاه‌ها با بررسی موارد عینی، نقش مهمی در تعیین قلمرو شرط فاسخ و ارتباط آن با اصل حسن نیت ایفا می‌کنند (Chantepie و Latina، ۲۰۱۸).

یکی از محورهای اصلی رویه قضایی، لزوم صراحت و دقت در تنظیم شرط فاسخ است. دادگاه‌ها معمولاً تأکید می‌کنند که شرط فاسخ باید به‌طور روشن مشخص کند که نقض کدام تعهد موجب انحلال قرارداد می‌شود. اگر شرط به صورت کلی و مبهم تنظیم شده باشد، ممکن است دادگاه از اعمال خودکار آن جلوگیری کند یا آن را به صورت محدود تفسیر نماید. این رویکرد با ماده ۱۲۲۵ قانون مدنی فرانسه هماهنگ است (Terré, ۲۰۱۸). محور دیگر رویه قضایی، بررسی رعایت اخطار و فرصت اجرای تعهد است. در بسیاری از دعاوی، دادگاه‌ها توجه می‌کنند که آیا پیش از اعمال شرط فاسخ، متعهد به‌طور کافی از تخلف خود و احتمال انحلال قرارداد آگاه شده است یا خیر. اعطای مهلت مناسب برای اجرای تعهد یکی از جلوه‌های عملی حسن نیت است و نبود آن می‌تواند اعمال شرط فاسخ را با چالش مواجه کند (Bénabent, ۲۰۲۰). همچنین دادگاه‌ها در برخی موارد به رفتار طرفی که قصد استناد به شرط فاسخ دارد توجه می‌کنند. اگر رفتار او نشان دهد که پیش‌تر نقض تعهد را پذیرفته، نسبت به آن سکوت کرده یا با ادامه اجرای قرارداد موافقت نموده است، استناد ناگهانی به شرط فاسخ ممکن است با حسن نیت ناسازگار تلقی شود. این رویکرد نشان می‌دهد که دادگاه‌ها در تحلیل شرط فاسخ، تنها به متن قرارداد اکتفا نمی‌کنند، بلکه رفتار عملی طرفین را نیز در نظر می‌گیرند (Fabre-Magnan, ۲۰۱۹). پس از اصلاحات ۲۰۱۶، گرایش کلی رویه قضایی به سمت ایجاد توازن میان کارآمدی شرط فاسخ و جلوگیری از سوءاستفاده از آن بوده است. از یک سو، دادگاه‌ها اصل اعتبار شرط فاسخ را می‌پذیرند و آن را ابزاری مشروع برای انحلال قرارداد می‌دانند؛ از سوی دیگر، در مواردی که اعمال شرط با انصاف، حسن نیت یا تعادل قراردادی ناسازگار باشد، از مداخله خودداری نمی‌کنند (Mazeaud, ۲۰۱۷). در نتیجه، رویه قضایی فرانسه پس از اصلاحات ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که شرط فاسخ نهادی کاملاً خودکار و خارج از کنترل نیست. بلکه دادگاه‌ها با استناد به اصولی مانند حسن نیت، منع سوءاستفاده از حق و ضرورت تفسیر مضیق شروط انحلال، نقش مهمی در تنظیم آثار این شرط ایفا می‌کنند. این نقش نظارتی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای حفظ عدالت قراردادی در نظام جدید حقوق قراردادهای فرانسه است.

نتیجه گیری

اصلاحات سال ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه نقطه عطفی در تحول حقوق قراردادهای این کشور به شمار می‌آید. این اصلاحات با هدف ساده‌سازی، نظام‌مند کردن و کارآمدتر ساختن مقررات قراردادی انجام شد و در حوزه انحلال قراردادها نیز تغییرات قابل توجهی ایجاد کرد. قانونگذار فرانسوی با تنظیم مواد ۱۲۲۴ تا ۱۲۳۰ قانون مدنی، چارچوبی روشن برای شیوه‌های مختلف انحلال قرارداد از جمله انحلال مبتنی بر شرط فاسخ ارائه داد. این اقدام سبب شد که جایگاه شرط فاسخ در نظام حقوقی فرانسه شفاف‌تر شود و نقش آن به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای قراردادی برای تضمین اجرای تعهدات تقویت گردد. با این حال، بررسی مقررات جدید نشان می‌دهد که اگرچه قانونگذار آزادی قابل توجهی برای طرفین در درج و اعمال شرط فاسخ قائل شده است، اما این آزادی مطلق نیست. در واقع، اصل حسن نیت که در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی فرانسه مورد تصریح قرار گرفته، به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر روابط قراردادی، چارچوبی اخلاقی و حقوقی برای رفتار طرفین فراهم می‌کند. این اصل ایجاب می‌کند که طرفین در تمامی مراحل حیات قرارداد از جمله در زمان اعمال شرط فاسخ رفتاری منصفانه، صادقانه و معقول داشته باشند. یکی از مهم‌ترین آثار حاکمیت اصل حسن نیت در این زمینه، جلوگیری از سوءاستفاده از حق انحلال قراردادی است. ممکن است متعهدله در برخی موارد با استناد به شرط فاسخ و صرفاً با هدف رهایی از قرارداد یا کسب منفعت بیشتر، اقدام به اعلام انحلال قرارداد کند؛ در حالی که تخلف متعهد چندان اساسی نبوده یا امکان جبران آن وجود داشته است. در چنین شرایطی، اصل حسن نیت می‌تواند به عنوان معیاری برای ارزیابی مشروعیت اعمال شرط فاسخ مورد استفاده قرار گیرد و دادگاه‌ها را قادر سازد تا از اعمال خودسرانه این شرط جلوگیری کنند. از سوی دیگر، اصل حسن نیت می‌تواند در تفسیر شرط فاسخ نیز نقش مهمی ایفا کند. در بسیاری از قراردادها، شرایط تحقق شرط فاسخ به طور کامل و دقیق بیان نمی‌شود و ممکن است ابهاماتی در خصوص دامنه و نحوه اجرای آن وجود داشته باشد. در چنین مواردی، دادگاه‌ها می‌توانند با تکیه بر اصل حسن نیت، تفسیری ارائه دهند که با هدف مشترک طرفین و الزامات عدالت قراردادی سازگارتر باشد. این رویکرد به ویژه در قراردادهای پیچیده تجاری اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. همچنین، اصل حسن نیت می‌تواند بر نحوه اعمال شرط فاسخ تأثیر بگذارد. برای مثال، انتظار می‌رود طرفی که قصد استناد به این شرط را دارد، پیش از اعلام انحلال قرارداد، رفتار معقولی در پیش گیرد؛

از جمله اینکه به طرف مقابل فرصت مناسب برای اجرای تعهد یا جبران تخلف بدهد. چنین رویکردی نه تنها با الزامات حسن نیت سازگار است، بلکه می‌تواند از بروز اختلافات قضایی غیرضروری نیز جلوگیری کند. در پرتو رویه قضایی و تحلیل‌های دکترین حقوقی فرانسه نیز مشاهده می‌شود که دادگاه‌ها به تدریج نقش فعال‌تری در نظارت بر اعمال شرط فاسخ ایفا کرده‌اند. هرچند اصل آزادی قراردادی همچنان یکی از ارکان اساسی حقوق قراردادهای به شمار می‌رود، اما این آزادی در چارچوب اصولی مانند حسن نیت، انصاف و منع سوءاستفاده از حق محدود می‌شود. به همین دلیل، دادگاه‌ها در مواردی که اعمال شرط فاسخ با سوءنیت یا رفتار غیرمنصفانه همراه باشد، ممکن است آثار آن را مورد بازنگری قرار دهند. می‌توان گفت که در نظام جدید حقوق قراردادهای فرانسه، رابطه‌ای متوازن میان آزادی قراردادی و نظارت حقوقی برقرار شده است. شرط فاسخ به عنوان ابزاری برای تأمین امنیت و کارآمدی روابط قراردادی مورد پذیرش قرار گرفته، اما در عین حال اصل حسن نیت به عنوان یک قاعده بنیادین، مانع از آن می‌شود که این ابزار به وسیله‌ای برای سوءاستفاده یا بی‌عدالتی تبدیل شود. بنابراین، نقش حسن نیت در اعمال شرط فاسخ را می‌توان نوعی سازوکار تعادلی دانست که از یک سو آزادی طرفین را در تنظیم روابط قراردادی محترم می‌شمارد و از سوی دیگر از حقوق طرف ضعیف‌تر و ثبات روابط حقوقی حمایت می‌کند.

منابع

۱. رضایی، محمد و حیدری، محمدرضا (۱۴۰۲)، شرط فاسخ در اصلاحات اخیر قانون مدنی فرانسه و محدودیت‌های قانونی و قضایی اعمال آن از منظر حقوق ایران، فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، دانشگاه تهران، تهران.
۲. قاسمی، رضا (۱۳۹۷)، اصل حسن نیت در حقوق قراردادهای فرانسه، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران.
۳. کریمی، علی (۱۴۰۲)، بررسی شرط فاسخ در حقوق فرانسه پس از اصلاحات ۲۰۱۶، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۴. موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۹۹)، مفهوم شرط فاسخ در حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، قم.
۵. نادری، حسین (۱۴۰۰)، عدول از شرط فاسخ و آثار آن در حقوق قراردادهای با نگاهی به حقوق فرانسه، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، تهران.
۶. Aynès, Laurent و Crocq, Pierre (۲۰۱۹)، Droit des obligations ،LGDJ ، Paris
۷. Bénabent, Alain (۲۰۲۰)، Droit des obligations ،LGDJ ،Paris
۸. Chantepie, Gaël و Latina, Mathias (۲۰۱۸)، Le nouveau droit des obligations ،Dalloz ،Paris
۹. Deshayes, Olivier (۲۰۱۶)، Réforme du droit des contrats et des obligations ،LexisNexis ،Paris
۱۰. Fabre-Magnan, Muriel (۲۰۱۹)، Droit des obligations ،PUF ،Paris
۱۱. Ghestin, Jacques (۲۰۱۶)، Traité de droit civil: La formation du contrat ، LGDJ ،Paris
۱۲. Hondius, Ewoud (۲۰۱۷)، The French Contract Law Reform ،Hart Publishing ،Oxford
۱۳. Mazeaud, Denis (۲۰۱۷)، Droit des obligations ،Montchrestien ،Paris
۱۴. Pansier, Frédéric-Jérôme (۲۰۱۷)، La réforme du droit des contrats ، LexisNexis ،Paris



-
۱۵. Terré, François (۲۰۱۷) «La réforme du droit des obligations» Dalloz, Paris
۱۶. Terré, François (۲۰۱۸) «Droit civil: Les obligations» Dalloz, Paris



The role of good faith in the application of the rescission clause after the ۲۰۱۶ reforms in French civil law

Rouzbeh Ahmadpour^۱ / Mahtab Emami^۲

Article number: JHVMN-۲۶۱۱-۱۴۰۴

Abstract

The ۲۰۱۶ amendments to the French Civil Code brought about a significant change in the system of contract law and regulated the provisions related to the termination of contracts in a coherent manner in Articles ۱۲۲۴ to ۱۲۳۰. In this framework, the termination clause, as one of the most important means of contractual termination, gained a special position and strengthened the possibility of terminating the contract through the will of the parties. However, the application of the termination clause is not considered absolute and without limitations, and the principle of good faith, which is recognized in Article ۱۱۰۴ of the French Civil Code as one of the fundamental principles of contract law, plays an important role in limiting and guiding its implementation. Accordingly, the parties to the contract are required to observe good faith not only at the stage of concluding the contract, but also at the stage of performing the obligations and at the time of applying the termination clause. This principle can prevent the abuse of the right of termination and maintain the contractual balance through judicial supervision. In light of the ۲۰۱۶ reforms, courts have also emphasized the need to observe fair treatment in the application of the termination clause by interpreting the new regulations and have examined the possibility of limiting or invalidating it in cases where the implementation of this clause is done with bad faith or with the aim of harming the other party. The present study, using a descriptive-analytical method, examines the role of the principle of good faith in the application of the termination clause in French law after the ۲۰۱۶ reforms and shows that this principle, as an important control criterion, establishes a balance between contractual freedom and protection of the obligated party and prevents the arbitrary application of the termination clause.

Keywords: Good faith, termination clause, dissolution of contract, French ۲۰۱۶ reforms, contract law.

^۱. PhD in International Law, Lecturer, Islamic Azad University, Ilkhchi Branch, East Azerbaijan. (Corresponding Author) Roozbehahmadpour@iau.ac.ir

^۲. Mahtab Emami, Master's student, Islamic Azad University, Ilkhchi Branch, East Azerbaijan. mahtabemami@iau.ac.ir

